

از سنگ و آب و شیاطین دیگر

بخش دوم اپرونده شخصیت های ایستا همچنان باز است. مسلمانا بعد دیگری از این میحث وجود دارد که هنوز روشن نشده است. این دیگر مسئله ای است که موکول می شود به مخاطب پیگیر و پرتلاشی که جانانه ادبیات داستانی را دنبال می کند و با خودش برای نویسنده شدن عهد بسته است.

شخصیت های پویا. در تعریف ساده ای که به ذهن متبادر می شود. شامل آدم هایی است که تغییر می کنند. اما در این جمله منظور از کلمه «تغییر» دقیقا چه چیزی است؟ تلقی عامه از این تغییر تحولی درونی است. درحالی که شامل تغییرات بیرونی هم می شود. مثلا. اگر آدمی در داستان از نظر خلق و خو تغییر نکند. اما به دلیل درگیری با یک بیماری پیش رونده جسمش تغییر کند و روزبه روز بیشتر تحلیل برود و به مرگ نزدیک تر شود. این تغییر باعث می شود تا او را در دسته شخصیت های پویا دسته بندی کنیم. یا در تلقی عمومی معمولا تغییر را حرکتی به سوی قطب خوبی ها در نظر می گیرند. ولی بار عاطفی مثبتی که در کلمه «پویا» نهفته است نباید گولتان برزند. چون تغییر همیشه مثبت نیست و می تواند منفی باشد. مثلا شخصیتی در تحول درونی اش به آدمی بدتر و خبیث تر تبدیل شود. یا اینکه تغییر همیشه درونی نیست و می تواند درباره تحول جسمی شخصیت باشد. و یا این تغییر همیشه عظیم و مهیب نیست. می تواند تغییری کوچک و حتی سطحی باشد.



جیس کرول اوتس

به این ترتیب. هم «فریدا» در داستان «دختر خاله ها» از جویس کرول اوتس شخصیتی پویا است (از معادل های سینمایی آن. می توان شخصیت «علی» در فیلم «زنگار و استخوان» [Rust and Bone, 2012]. ساخته ژاک اودیار. را نام برد که از نظر فکری. درونی و اخلاقی متحول می شود). هم «میس امیلی» در داستان «یک گل سرخ برای امیلی» از ویلیام فاکنر که فقط از نظر جسمی تغییر می کند و درونش مانند تکه ای سنگ سخت و بی تغییر به حیات مرده گون خودش ادامه می دهد و برای معادل سینمایی اش می شود از «مورد عجیب بنجامین باتن» (The Curious Case of Benjamin Button, 2008). ساخته دیوید فینچر. نام برد که در آن بنجامین باتن بدون اینکه تحولی درونی در او مدنظر باشد به ساعتی می ماند که در میان ساعت های جهان تنها اوست که معکوس کار می کند و در خط زمان روبه عقب می رود و جسمش به همین ترتیب مانند درختی است که در مسیر دانه شدن به حرکتش ادامه می دهد. و نمونه های بسیار زیادی از این گونه روایت ها که قصه شخصیت هایی را تعریف می کنند که متحول می شوند یا قصه تغییر کردن شخصیت ها را. درواقع. چیزی که زیاد است شخصیت پویا که درونی یا بیرونی تغییر و تحول پیدا کند.

اما سؤال اینجا ست که تغییر و تحول شخصیت چه زمانی باور پذیر است و چه زمانی نه. مثلا. می شود قبول کرد که یک شخصیت به تغییری عمیق در شخصیت خودش فکر کند و روز بعد که سر از بالش برمی دارد به آدم دیگری تبدیل شده باشد؟ پس اولین شرط برای یک تغییر قابل قبول و باور کردنی در شخصیت این است. شخصیت برای تغییر زمان کافی داشته باشد. بله. هیچ تحول درونی ای را نمی شود پیدا کرد که در عرض چند دقیقه اتفاق افتاده باشد. برای مثال. داستان دختر خاله ها در این مورد نمونه ای کم نظیر است. اوتس برای روایت داستانش از قالب نامه نگاری استفاده می کند که همین فرم به او مجال می دهد تا در دوره زمانی طولانی تری قصه شخصیت هایش را روایت کند. مثلا. در نظر بگیرید که گاهی بین رد و بدل شدن نامه ها بین یک تا دوماه و یا حتی بیشتر فاصله می افتد و این بستر زمانی خوبی مهیا می کند برای اینکه بپذیریم شخصیت داستان دچار تغییر فکری و خلقی شود.

دیگر اینکه آیامی شود قبول کرد که یک بچه هفت ساله بعد از دو سال تمرین وزنه برداری بتواند سنگ های ده تنی جابه جاکند؟ پس شرط دوم را این می سازد. تغییر باید به فراخور امکانات شخصیت باشد. بله. شاید بتوان زمینه شکل گرفتن چنین تغییری را برای شخصیت ساخت. ولی جز با متوسل شدن به ژانگولربازی نمی توان چنین چیزی را در بستر واقعیت و منطق رئالیستی جای داد. مگر اینکه مثل مرد عنکبوتی یک عنکبوت سرخ و آبی عجیب با سمی افسانه ای از آکواریوم موزه علوم طبیعی فرار کند و پسری پاک و صادق را نشانه بگیرد تا آن دست و پا چلفتی بتواند ذهنیت و آناتومی یک ابرقهرمان را پیدا کند. نکته مهم دیگری که اینجا باید در نظر داشت این است که داستان کوتاه. در مقایسه با رمان. از نظر کم و کیف مجالی محدودتر در اختیار نویسنده قرار می دهد و در این محدوده فضای کافی برای ایجاد تغییر و تحولات چشمگیر در شخصیت ها وجود ندارد. مگر اینکه ما مانند جویس کرول اوتس بتوانید تمهیدی بچینید که فیل تغییر را بشود در فنجان داستان کوتاه جای داد.

اما این شرط ها کافی نیست. سؤال سومی هست که ما را به سمت شرط بعدی راهنمایی می کند.

با احترام عمیق به تمام آن بی شمار انسانی که جهان را به سمت بهتر شدن تغییر دادند.

قسمت اول

شهریار

اشنبه ۱۶ دی ۱۴۰۳ ۴ رجب ۱۴۴۶ شماره ۶۰۱

۱۰



فرهنگ و ادبیات

علی باقریان

ز پویندگان^{۱۱} هر چه مویش نکوست بکشت و به سزیشان بر آهیخت^{۱۲}اپوست^{۱۳} چو رو باه و قاقم^{۱۴} اچو سنجاب نرم^{۱۵} چهارم سمور است کیش^{۱۶} اموی گرم

بر این گونه از چرم پویندگان^{۱۷} بیوشید بالای^{۱۸} گویندگان^{۱۹} برنجید^{۲۰} او گسترده و خورد و سپرد^{۲۱} برفت و جز از نام نیکو نبرد



- ۱- پویندگان: جانوران پویا و متحرک.
- ۲- بر آهیخت: برکشید.
- ۳- قاقم: حیوانی کوچک شبیه سمور.
- ۴- کیش: که اش. که اورا.
- ۵- بالا: پیکر. قامت.
- ۶- گویندگان: انسان ها (که حیوان ناطق اند. می توانند بیندیشند و سخن بگویند).
- ۷- برنجید: رنج برد. زحمت کشید.
- ۸- افسون: چاره. تدبیر.

اثری دیگر از امید مجد درباره زبان فارسی منتشر شد

چگونه تحلیلی بنویسیم؟

شریف شیرزاد

در هر زبانی. اهل زبان -اگر مشکل بنیادین نداشته باشند- می توانند به سادگی به آن زبان سخن بگویند. این کاری است که از روز تولد خود و حتی پیش از آن. از ایام جنینی. مشغول یادگرفتن آن بوده اند و -بنابراین- وقتی به سن وسال مدرسه می رسند. حرف زدن را به خوبی بلدند. اما نوشتن به کل فرق دارد. حتی کسی که از آغاز زندگی در یک محیط زبانی بوده و در همان جا درس خوانده و به مدارج بالای دانشگاهی رسیده است لزوماً نمی تواند خوب بنویسد. ربطی به اینکه گویشور چه زبانی است و کجا به دنیا آمده است هم ندارد. برای اینکه بتوانی بنویسی. کارهای زیادی باید انجام بدهی. از جمله خواندن کتاب هایی که اصلا مخصوص آموزش نوشتن هستند.

در هر زبانی که تعداد معتنا بهی گویشور داشته باشد. از این کتاب ها فراوان پیدا می شود. فارسی هم از این قبیل است. در فارسی هم. به ویژه در دوره معاصر. بسیار کتاب ذیل عنوان کلی «نگارش و ویرایش» داریم. شاید برایتان جالب باشد که بدانید تألیف این دست آثار در زبان ما سابقه بسیار درازی دارد. به درازای صدها سال. از قرن ها قبل. رساله ها و کتاب هایی در دست داریم از نویسندگان بزرگ که ویژه آموزش دبیری و تَـرْشُل اند. به زبان ساده یعنی نویسندگی و نامه نگاری. مخاطب این کتاب ها. بیشتر کسانی بوده اند که می خواسته اند شغل های دیوانی پیدا کنند و به مناصب دولتی برسند. و توانایی در نوشتن یکی از لوازم مهم نیل به این هدف بوده است.

گذریم. در دوران ما هم نویسندگان و پژوهشگران بزرگی آیین نگارش نوشته اند. این امر. به ویژه پس از شکل گیری دانشگاه و به اقتضای لوازم کار آکادمیک. رونق بیشتری گرفته است. و شاید از همین رو باشد که انتشارات «سمت» (سازمان مطالعه و تدوین کتب

امید مجد (زاده ۱۳۵۰ در نیشابور). استاد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تهران. بیشتر به واسطه ترجمه منظوم از متون دینی عربی. من جمله «قرآن» و «نهج البلاغه» و «صحیفه سجادیه». شهرت دارد. اما از سال های دور در زمینه مباحث نظری زبان فارسی نیز آثاری پدید آورده است. از این دست می توان به این کتاب ها اشاره کرد. «آموزش گام به گام دستور زبان

فارسی». «ارزیابی و بهسازی کتاب آموزش زبان فارسی در چین». «تحلیل و مقایسه شیوه های آموزش زبان فارسی در ترکیه». «خط فارسی و نقد آن». «دستور زبان فارسی با رویکرد آموزشی». کتاب اخیر را نیز می شود در این راستا در نظر گرفت. حال. باید منتظر ماند و دید این اثر در بین انبوه آثار مشابه. با چه واکنش هایی روبه رو خواهد شد.

“ فارسی و نگارش “ (فارسی عمومی) قابل استفاده می باشد.

مؤلف این کتاب. امید مجد. نیز در وب سایت خود توضیح داده است. «این کتاب تصنیفی در شش فصل نوشته شده که به شرح زیر است. فصل نخست. بحثی مبسوط در زمینه خط فارسی و نقد دستورخط فرهنگستان. فصل دوم. آیین نگارش و ویرایش و سجاوندی و مکاتبات اداری و الفبای فونتیک و آموزش شیوه نوشتن مقالات علمی. فصل سوم. شیوه های لغت سازی و ترجمه. همراه با نقد لغات معادلی که فرهنگستان برگزیده. فصل چهارم: تحلیل مبحث درست و غلط در زبان فارسی در چهار حوزه تلفظ. معنا. املا و دستور زبان فارسی. فصل پنجم: شیوه های انشانویسی و مقالات عمومی و آموزش تکنیک های آن. فصل ششم: ویژگی های شاهکارهای ادبی و آموزش شیوه نوشتن متن های ادبی.»

«آیین نگارش تحلیلی. نوشته هایی درباره خط. زبان انشا و ادبیات. نوشته امید مجد. انتشارات «سمت». ۱۳۰ صفحه. ۹۸ هزار تومان.



اگر دولت آبادی «کلیدر» را در تلگرام می نوشت

ادبیات الکترونیک و مادیّت رسانه (۴)

دیگر مزایای نوشتن در تلگرام است. علاوه برآن. رابط های کاربری تلگرام تجربه خوبی را برای کاربر رقم می زنند. امکان ویرایش متن. شیوه نمایش گفت وگوها. نوار ابزارهایی که در اختیار کاربر قرار دارد. همه و همه. تلگرام را به بستری مناسب برای نوشته های کوتاه تبدیل می کند.

اما. از طرف دیگر. تلگرام چهچنم نوشته های بلند است. هر پیام متنی در تلگرام در نهایت تا ۴۰۹۶ کاراکتر ادر خود جای می دهد و کاراکترهای بیشتر را هل می دهد و در پیام بعدی می اندازد. برای خود من. این تکه تکه شدن آزار دهنده است. علاوه براین. ویرایش متن طولانی در تلگرام تجربه خوشایندی نیست. در فضای کوچک گوشی. بین انبوه کلمات. دنبال کلمه مورد نظر گشتن گاه بسیار طاقت فرسا ست. جز این. تلگرام نوعی شبکه اجتماعی است. شبکه های اجتماعی اصولا دشمن تمرکز پایدار هستند.

تصور کنید. اگر قرار بود محمود دولت آبادی «کلیدر» خود را در مسیر رفت و آمد به سالن تئاتر و در تلگرام بنویسد. چه اتفاقی می افتاد. احتمالا. مارل خیلی خیلی زودتر از این. در کاربز تن را به خنکای آب می سپرد و قلب گل محمد را زودتر از این ها داغدار می کرد. شاید توصیفات چند صفحه ای این قدر آب می رفت تا در یک صفحه گوشی جا شود. شاید تجربه کاربری تلگرام با آن ایموژی های فانتزی رمان را از لحن شوک همد و آهنگین خود می انداخت. شاید واژگان پیشنهادی صفحه کلید گوگل سمت و سوی دیگری به ایماژها می داد. احتمالا اعلان ها و پیام هایی که در لحظه ظاهر می شدند نوشتن این رمان را به درازای یک عمر می کشاند. کسی چه می داند؟! شاید قهرمانان «کلیدر» زودتر از این ها از اسب می افتادند. و چه بسا نوشتن در تلگرام آن ها را از اصل هم می انداخت.



شما. همیشه و همه جا. دفترچه دیجیتال کوچکتان را که در عین حال تلفن. تلویزیون. رادیو. ضبط صوت. ماشین حساب. تقویم. بیک نامه رسان. میز سخنرانی و کتابخانه شما هم هست همراه خود دارید. در مقایسه با لپ تاپ و بی سی هم. نوشتن سریع در آن به ۱۰ انگشت نیاز ندارد. بلکه با دو انگشت شست کار به همان سرعت و دقت سامان می یابد. نوشتن در تلگرام که نورعلی نورا ست. هیچ چیز در آن گم نمی شود. هنوز هم هرچه بخواهم با وسواس از آن مراقبت کنیم جایش در صفحه چت شخصی ام در تلگرام است. طرفه آنکه قابل جست و جو هم هست! همین هفته پیش. به مناسبتی. مجبور شدم صفحه چتم با مرتضی راباکوم. که هاکه از ۱۰ سال پیش جلوی چشم نیامد!

قابلیت به اشتراک گذاری سریع و بی دردسر از

را در قسمت نوت گوشی می نوشتم. سال ۹۳ به پیام رسان «تلگرام» پیوستم. از آن زمان به بعد. تلگرام. میزبان یادداشت های انوبوسی ام شد. نوشتن در گوشی تلفن همراه مزیت های خودش را داشت. دفتر و خودکار همیشه در دسترس نبود. اما گوشی تلفن همراه -بعد از خدا- از بزرگ گردن به ما نزدیک تر است. به واسطه دانشجویان. بیشتر وقت ها کاغذ و خودکار در دسترس بود. اما نوشتن در گوشی. و به خصوص گوشی های هوشمند. با نور قابل تنظیم و صفحه کلید لمسی کجا و خودکار در دست گرفتن و نوشتن بر کاغذ در اتوبوسی که از درد ترافیک دائما بر خود می پیچد کجا؟!

برای دسترسی همیشگی به تلفن همراه. ایده ها خیلی خوب و در لحظه حفظ می شود و این کم نعمتی برای ذهن سیال آدمی نیست. در تخت خواب. هنگام آشپزی. در اتوبوس و مترو.